[خطبه‌ی اول 3](#_Toc463076460)

[اشکالات حکومت یزید از نگاه امام حسین(ع) 3](#_Toc463076461)

[1. عدم مشروعیت شرعی و عرفی حکومت یزید...... 4](#_Toc463076462)

[2. عدم ارتباط عاقلانه و سنجیده با مردم..... 5](#_Toc463076463)

[اهداف قیام امام حسین(ع) 5](#_Toc463076464)

[1. حکومت الهی و احقاق حقوق مردم..... 5](#_Toc463076465)

[2. احیای اخلاق و انسانیت در جامعه‌ی اسلامی..... 6](#_Toc463076466)

[3. جاری ساختن صلاح شهرها و سرزمین‌ها..... 6](#_Toc463076467)

[4. تامین امنیت برای انسان‌های مومن.... 7](#_Toc463076468)

[5. اجرایی شدن سنت‌ها و احکام الهی.... 7](#_Toc463076469)

[مصادیق امر به معروف و نهی از منکر از نگاه امام حسین(ع) 7](#_Toc463076470)

[ویژه‌گی‌های اباالفضل العباس(ع) 7](#_Toc463076471)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc463076472)

[پتانسیل عظیم هیئت‌های عزاداری 11](#_Toc463076473)

[1. زمینه‌سازی هیئت‌ها برای حضور گسترده‌ی جوانان....... 12](#_Toc463076474)

[2. معالجه‌ی اعتیاد و مشکالت اجتماعی در هیئت‌ها..... 12](#_Toc463076475)

[3. صرف هزینه‌ها در امور تفریحی سالم جوانان...... 13](#_Toc463076476)

[4. خدمات‌رسانی به مردم و جوانان 13](#_Toc463076477)

[اهمیت معنادار کردن عزاداری‌های حسینی 13](#_Toc463076478)

[اقامه‌ی نماز جماعت ظهر روز عاشورا 14](#_Toc463076479)

[سالروز شهادت امام سجاد(ع) 14](#_Toc463076480)

[**دعا** 14](#_Toc463076481)

خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

.

.

.

## اشکالات حکومت یزید از نگاه امام حسین(ع)

حکومت تصرف می‌کردند و برای مردم، اعتباری قائل نبودند و خواسته‌های باطل خود را ملاک و مبنای حاکمیت و تسلط بر مردم، قرار دادند. کسانی که به اشراف، اقتدا کردند و زندگی حکومت‌گران جبار و مستبدان را سرلوحه‌ی زندگی و حکومت خود قرار دادند «**وَ أَيْدِيهِمْ فِيهَا مَبْسُوطَةٌ وَ النَّاسُ لَهُمْ خَوَلٌ**»[[4]](#footnote-4) عده‌ای بر مردم حکومت پیدا کردند که دست و سرپنجه‌های خونین آن‌ها و ظلم و ستم آن‌ها در میان مردم، نفوذ کرده بود و مردم را ملک خود می‌دانستند و برای مردم، ارج و اعتباری قائل نبودند. «**لَا يَدْفَعُونَ يَدَ لَامِس‏**»[[5]](#footnote-5) و از این حکومت و از متعدیان به حقوق مردم، دفاع نمی‌کردند.

**ظلم جنایت متصدیان حکومت، به مردم**

این شرایطی است که اباعبدالله الحسین(ع) را به خروش وا‌داشته و در این خطبه به مردم آگاهی می‌دهد. «**وَ مَا لِي لَا أَعْجَبُ وَ الْأَرْضُ مِنْ غَاشٍّ غَشُومٍ وَ مُتَصَدِّقٍ ظَلُومٍ وَ عَامِلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ غَيْرِ رَحِيم‏‏**»[[6]](#footnote-6) چرا من به‌عنوان سلاله‌ی رسول خدا(ص) در شگفتی نباشم و تعجب نکنم از این روزگاری که به وجود آمده است؟ درحالی‌که به هر جا نگاه می‌کنم می‌بینم که عاملان و کارگزاران این حکومت ظالم و ستم‌پیشه، مبنای ارتباط خود را با مردم، ظلم و ستم قرار دادند؛ یعنی امام حسین(ع) در این خطبه می‌فرماید که اهل‌بیت(ع) حکومتی را برای مردم می‌خواهند که مبنای آن حکومت احکام اسلام، دستورات خداوند و رابطه‌ی خوب حاکم و مسئول، با مردم باشد. این‌ها معارف بسیار دل‌نشین و زیبایی است که در منشور قیام و حماسه‌ی امام حسین(ع) متجلی شده است. این همان امتداد حقوق متقابل مردم و حکومت است که در کلمات امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه آمده است. می‌فرماید: من از این تعجب می‌کنم.

### عدم مشروعیت شرعی و عرفی حکومت یزید

امام حسین(ع) چند اشکال به حکومت یزید می‌کند. اولین آن این است که اصل حکومت یزید، مشروعیت ندارد؛ برای این‌که مشروعیت حکومت باید به خدا متصل شود یا حداقل مردم تا حدی آن حکومت را قبول داشته باشند. امام حسین(ع) می‌فرماید: ما با هر منطقی نگاه کنیم، حکومت معاویه و بخصوص ولایت‌عهدی یزید، قابل توجیه نیست. این معارف بلندی است که در عاشورای حسینی وجود دارد. وقتی‌که می‌بینیم اصل ولایت و ولایت‌عهدی و خلافت یزید و همین‌طور معاویه به خدا منتهی نمی‌شود؛ بنابراین مشروعیت ندارد. وقتی‌که به جامعه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که جامعه، این حکومت را قبول ندارد. این‌یکی از اشکالات امام حسین(ع) به حکومت معاویه و بخصوص به حکومت یزید است که امام حسین(ع) در سال 58 آن را پیش‌بینی می‌کند و بعد هم در سال 60، با این حکومت مواجه شد. این حکومتی است که از نظر دینی، مشروعیت الهی ندارد و از نظر مردمی، کسی این حکومت را قبول ندارد. اگر هم مردم در برابر آن سکوت کردند، به خاطر ظلم و تجاوز و تعدی است که در این حکومت وجود دارد.

### عدم ارتباط عاقلانه و سنجیده با مردم

اشکال دوم امام حسین(ع) که از مجموعه‌ی سخنان ایشان استفاده می‌شود، این است که این حکومت، با قطع نظر از آن دو اشکال اساسی که نامشروع است و به خدا و رسول خدا منتهی نمی‌شود و از نظر مردم هم مورد قبول و پذیرش نیست، در حکومت یزید اشکال حکومت معاویه و یزید این است که رابطه‌ی آن‌ها با مردم یک رابطه‌ی عاقلانه و سنجیده و معنوی نیست. می‌فرماید: چرا من نباید تعجب کنم؟ من به‌عنوان پاسدار ارزش‌های والای اسلام و به‌عنوان سلاله‌ی رسول خدا، به هر سو که نگاه می‌کنم می‌بینم که سرزمین بزرگ اسلام به دست ستم‌پیشگان و کسانی که قوانین الهی را زیر پا می‌گذارند، قرار گرفته است. چرا من در مراسم حج و منا با شما با صدای رسا در مقابله‌ی با این حکومت و ظلم یزید نگویم؟ درحالی‌که به هر جا که نگاه می‌کنم می‌بینم کارگزاران این حکومت، با مردم از سر ظلم و ستم معامله می‌کنند و کسانی که مالیات جمع می‌کنند، بی حق و ظالمانه با مردم رفتار می‌کنند. «**وَ مَا لِي لَا أَعْجَبُ وَ الْأَرْضُ مِنْ غَاشٍّ غَشُومٍ وَ مُتَصَدِّقٍ ظَلُومٍ وَ عَامِلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ غَيْرِ رَحِيم‏‏**»[[7]](#footnote-7) عمالی را می‌بینم که به تأسی از معاویه و یزید، با مردم با بی‌رحمی رفتار می‌کنند. این وضع برای من قابل تحمل نیست و برای شما هم نباید قابل تحمل باشد. باید به دنبال حکومتی باشید که حاکمان آن در خدمت مردم و در خدمت آرمان‌های الهی و اهداف و انگیزه‌های حق قرار گرفته باشد.

## اهداف قیام امام حسین(ع)

این آن هدفی است که امام حسین(ع) و عزیزی که شما امروز برای او عزاداری کردید، برای خود ترسیم می‌کند. بعد امام حسین(ع) در ادامه این خطبه می‌فرماید: « **اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُساً فِي سُلْطَان ‏‏**»[[8]](#footnote-8) این جمله را امام حسین(ع) در چند جا فرموده است. یک جا در سال 58 هجری، در منا، در آخر این خطبه این جمله را فرمود و یک‌بار هم زمانی که از مدینه بیرون می‌آمد و در یکی دو بار هم در جاهای دیگر. معلوم می‌شود که این نکته برای ایشان خیلی مهم است.

### حکومت الهی و احقاق حقوق مردم

امام حسین(ع) می‌فرماید: ای مردم بدانید اگر من فریادی کشیدم؛ اگر حاضر نشدم دستم را به نشانه‌ی بیعت به سمت یزید دراز کنم، به دنبال ریاست و مقام و حکومت به‌عنوان شخص خودم نبودم. خدایا تو می‌دانی که قیام من برای رقابت در حکومت و قدرت، نبود. برای من قدرت و حکومت، مایه و پایه‌ و مقدمه‌ای برای احقاق حقوق مردم و برای اجرای احکام الهی و مبانی دینی است. « **وَ لَا الْتِمَاساً مِنْ‏ فُضُولِ الْحُطَام‏‏‏**»[[9]](#footnote-9) نه به دنبال قدرت هستم و نه به دنبال مال و منال دنیا. هرگز در قیام من این‌ها نیست. این انگیزه‌ی خالص حسینی است که عاشورا را ماندگار کرد و بعد از قرن‌ها هنوز هم، قلب‌های مشتاقان عالم و شیفتگان عدالت و آزادی و انسانیت به یاد او می‌تپد. امام، در تمام خلوص و اخلاص می‌فرماید: نه انگیزه‌ی مال در من تأثیری دارد، نه انگیزه‌ی مقام و ریاست در من تأثیر دارد. هدف من چند چیز است.

### احیای اخلاق و انسانیت در جامعه‌ی اسلامی

من به جامعه‌ای نگاه می‌کنم که به خاطر سستی مردم، حکامی روی کار آمده است که همه‌ی بنیادهای دینی را زیر پا گذاشته است و برای مردم و جامعه‌ی دینی، ارزشی قائل نیستند و به خاطر همین ارزش‌های الهی، زیر پا گذاشته شده است. من و سخن رسای من برای این است که « **وَ لَكِنْ لِنُرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِك‏‏‏‏**»[[10]](#footnote-10) هدف من این است که معادن دین خدا، شعائر اخلاق و انسانیت، در جامعه نمودار شود. نه این‌که مبانی دینی و ارزش‌های الهی، در این جامعه به دست یزید و عمال و حکومت، زیر پا گذاشته شود. من به دنبال این هستم که معالم دین خدا، پرچم‌ها و نشانه‌های معنویت و اخلاق، در جامعه ظهور و بروز داشته باشد.

### جاری ساختن صلاح شهرها و سرزمین‌ها

« **وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِك ‏‏‏**»[[11]](#footnote-11) هدف من این است که صلاح را در شهرها و سرزمین‌های اسلامی جاری کنم. امام حسین(ع) بر خلاف بسیاری از شورشیان دیگر، یک شورشگری که بر خلاف مقررات الهی و انسانی قیام کرده باشد، نیست و لذا در طول قیام امام حسین(ع) یک بی‌انصافی، یکجا عبور از مرزهای الهی و توسل به شیوه‌های غیر صحیح، در قیام امام حسین(ع) نیست. امام می‌فرماید: انگیزه‌های شیطانی در من نیست. من خواستم معالم دین خدا را نمایان کنم. من خواستم شهرها و سرزمین اسلامی را به سمت صلاح و آبادی مادی و معنوی، سوق بدهم.

### تأمین امنیت برای انسان‌های مومن

« **وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ ‏‏‏**»[[12]](#footnote-12) من برای این حرکت کرده‌ام که انسان‌های مظلوم، احساس امنیت کنند. انسان‌های پاک و وارسته و فداکار، احساس امنیت کنند

### اجرایی شدن سنت‌ها و احکام الهی

« **وَ يُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَ أَحْكَامِك‏‏‏‏**»[[13]](#footnote-13) من قیام کردم تا سنن و فرایض و شعایر دین خدا، در میان جامعه‌ی اسلامی، محقق و اجرا شود. من می‌بینم که کسانی کمر همت را بسته‌اند تا نور رسالت را خاموش کنند و این جریانی است که باید با آن به مقاومت برخواست.

## مصادیق امربه‌معروف و نهی از منکر از نگاه امام حسین(ع)

در همین خطبه و خطبه‌های دیگر، امام حسین(ع) به قضیه‌ی امربه‌معروف و نهی از منکر اشاره می‌کنند و می‌دانیم که امربه‌معروف و نهی از منکر، سه مصداق مهم دارد. یک مصداق امربه‌معروف و نهی از منکر، امربه‌معروف در میان افراد جامعه است؛ یعنی ما به یکدیگر به هم نظارت عمومی داشته باشیم و با روش‌های اسلامی و درست، یک نظارت عمومی در میان ما باشد تا جلوی خلاف و انحراف گرفته شود. این‌یک مصداق امربه‌معروف و نهی از منکر است. یک مصداق دیگر امربه‌معروف و نهی از منکر که در قضیه‌ی عاشورا تجلی یافت، امربه‌معروف و نهی از منکر صالحان، در برابر حکومت‌گران و کسانی که دارای قدرت هستند. امام حسین(ع) حرکت ایشان در جهت امربه‌معروف و نهی از منکر از قسم دوم بود؛ یعنی حکومتی که ارزش‌های الهی را رعایت نمی‌کرد، حکومتی که برای مردم ارزش و احترام قائل نبود را به راه صحیح برگرداند. این فلسفه‌ای است که امام حسین(ع) ذکر می‌کند.

## ویژگی‌های اباالفضل العباس(ع)

**«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ** » سلام ودرود خداوند بر خون پاک حسین(ع). بر سید و سرور و مولای ما. بر محبوب ما. بر کسی که بعد از قرن‌ها، روزبه‌روز بر شکوه و عظمت و مجد او افزوده می‌شود و امروز ما می‌بینیم که در نقاط گوناگون عالم و در همه‌ی کشور ما، مردم به عشق او اشک جاری می‌کنند و به عشق او بر سر و سینه می‌کوبند و با عزاداری او، خود را می‌سازند. سلام و درود خدا بر تو. امروز هم مناسبت زمانی ما، روز تاسوعا چنین مرسوم شده که به یاد اباالفضل العباس اختصاص می‌دهند و هم جایی هستیم که به نام اباالفضل العباس نامیده شده است؛ مناسب است که از اباالفضل العباس یاد کنیم.

همه می‌دانید که اباالفضل العباس یک شخصیت بسیار ممتازی است و من در سال‌های قبل، به مناسبتی وقتی‌که از اباالفضل العباس سخن گفتم، نشان دادم که در روایات، ائمه‌ی طاهرین ما، چقدر از اباالفضل العباس تمجید کردند. این نوع تمجید، تعریف، در مورد شهدای دیگر یا نیست یا بسیار نادر و اندک از شهدای کربلاست. این تمجیدی که امام باقر، امام صادق، امام سجاد و خود امام حسین: نسبت به مقام والای اباالفضل العباس انجام دادند، نشان می‌دهد که اباالفضل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. یعنی غیر از آن مقامات ایثار و مجاهدت و شجاعت کم‌نظیر اباالفضل العباس، مقامات معنوی و عرفانی و اخلاقی و معرفت او، فوق‌العاده زیاد بوده است.

از معصومین که بگذریم، اباالفضل العباس در رأس انسان‌های پاک و شایسته و پیشتازان از خاندان پیامبر و اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) ، قرار می‌گیرد. درواقع اباالفضل العباس یک چهره‌ای بود که همه‌ِی فضائل در او جمع بود و به همین دلیل هم صاحب لوای امام حسین(ع) بود. این تعبیری است که پرچم‌داری که ما می‌گوییم در روایات صاحب لوایی آمده است. اباالفضل العباس بعد از امام حسین(ع) دومین شخصیت ممتاز عاشور و کربلاست. امام سجاد(ع) بنا بر مصالحی مریض بودند. بعد از امام حسین(ع) شخصیت ممتاز اباالفضل العباس بود که مورد عنایت ویژه‌ی امام حسین(ع) بود و صاحب لوای امام حسین(ع) بود.

این اباالفضل العباس که برای ما مورد علاقه‌ی خاص ماست، من گوشه‌ای از مقتل را از کتاب‌های معتبر نوشته‌ام که در اینجا به گوشه‌ای از آن اشاره کنم. می‌فرماید: اباالفضل العباس مکرر می‌خواست به جنگ برود. هر وقت که می‌آمد و می‌خواست به جنگ برود، امام می‌فرمود: «**يا أَخِي أَنْتَ صَاحِبُ لِوَائِي وَ إِذَا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ عَسْكَرِي**»[[14]](#footnote-14) نه؛ تو پرچم‌دار من هستی. فرمانده‌ی ممتاز من هستی. رفتن و شهادت تو نشانه‌ی پایان کار و انتهای خط و مسیر شهادت است. امام اجازه ندادند. تا آخر هم اجازه‌ی رزم را از امام نگرفت. بعد از چند بار که این درخواست را به محضر امام حسین(ع) را عرضه داشت، این جمله را فرمود: برادر؛ مولای من. خیلی اباالفضل العباس به امام حسین(ع)قائل بود. از دوران کودکی، نقل‌های زیادی نشان می‌دهد که اباالفضل العباس برای امام حسن و امام حسین(ع) و بخصوص به امام حسین(ع) احترام ویژه‌ای قائل بود. پیش امام آمد و فرمود: « **قَدْ ضَاقَ صَدْرِي وَ سَئِمْتُ مِنَ الْحَيَاة**»[[15]](#footnote-15) شهادت اباالفضل العباس، بعد از عمده‌ی شهادت‌هاست. شاید بعد از شهادت اباالفضل العباس فقط چند شهادت معدود و کوچک را داشتیم. ایشان جزو آخرین شهیدان روز عاشوراست. شهدا همه‌ چهره‌های بزرگی از اهل‌بیت(ع) بر زمین افتادند و این خیلی برای اباالفضل العباس سخت است. شما الآن زیر آفتاب نشسته‌اید؛ آن صحنه‌ی بسیار جان‌سوز کربلا را تصور کنید. اباالفضل العباس می‌بیند که خیلی‌ها به شهادت رسیده‌اند. از طرف دیگر به خیمه‌ها و به بچه‌ها نگاه می‌کند که تشنه‌اند. از طرف دیگر به جنازه‌های عزیزان نگاه می‌کند که زیر آفتاب هستند. از طرف دیگر برای اباالفضل العباس می‌دید که امام حسین(ع) مظلوم و غریب در وسط معرکه قرارگرفته است. « **قَدْ ضَاقَ صَدْرِي وَ سَئِمْتُ مِنَ الْحَيَاة**» به خدا سینه‌ی من تنگ‌شده است از این زندگی، به ستوه آمده‌ام. برادر به من اجازه‌ی میدان بده. امام، بازهم اجازه ندادند و فرمودند: نه؛ برو برای بچه‌ها آب بیاور. می‌بینی که بچه‌ها از تشنگی و عطش، می‌سوزند. می‌بینی که گرمای آفتاب چطور بچه‌ها را بی‌تاب کرده است. به جنگ نرو و مشک را بردار و آب بیاور. اباالفضل العباس برای آب آوردن رفت. آن لحظات را در نظر بگیرید که اباالفضل العباس با چه امیدی به سمت شریعه‌ی فرات حرکت می‌کند و به خیمه‌ها برگردد. چه امید‌ها که در دل تشنگان خیمه‌ها به پدید آمد که شاید مشک آبی به خیمه‌ها برسد. راوی می‌گوید: اباالفضل العباس با اراده‌ای قوی حرکت کرد. یک انسان با صلابت برای آب آوردن و رساندن به خیام حرکت کرد. این در مقاتل معتبر آمده است. همان جمله‌ای که همه شنیده‌اید و امروز هم ما برای عرض ارادت، عرض می‌کنیم. می‌گوید: وقتی اباالفضل العباس به فرات رسید، بعد از تشنگی، گرما، خود جنگ و معرکه‌ی جنگ تشنگی می‌آورد. در آن هوای چندین درجه و در بیابان کربلا. اباالفضل العباس که به آب رسید، هر کسی باشد طبعاً آب می‌خورد. می‌گوید: دیدم دست در آب زلال فرات برد و تا نزدیک دهان مبارک آورد، اما دیدم چیزی می‌گوید و آب را نخورد. ای نفس، به کجا می‌روی؟ اگر با منطق عادی نگاه کنیم، باید فرمانده آب بیاشامد و آماده‌ی رزم شود؛ اما عاشورا منطق عرفان و عشق و دل‌باختگی به خدا و ارزش‌های الهی است. می‌گوید: من چطور آب بخورم و امام حسین(ع) با لبانی تشنه، در کارزار است. من هرگز آب نمی‌خورم. آیا تو آب می‌خوری درحالی‌که حسین تشنه است. این کار من نیست. این منطق دین من نیست که من آب بخورم و حسین تشنه باشد. آب نخورده مشک را پر از آب کرد. روای می‌گوید: وقتی‌که مشک را پر آب کرد، حس می‌شود که اباالفضل العباس خوش‌حال است. درحالی‌که مشک را به دوش کشیده‌ بود، با یک روح حماسی و اشعار خیلی زیبا به سمت خیمه، حرکت کرد؛ اما دیدم که ظالم جنایت‌پیشه‌ای پشت درخت، کمین کرده و ناگهان دست راست اباالفضل العباس را قطع کرد. اباالفضل العباس مشک را به دست چپ گرفت و فرمود: **و اللّه إن قطعتم يميني\*انّي أحامي أبدا عن ديني**‏. جلوتر آمد و مشک دست چپ او بود. یک‌بار دیگر دیدم ظالم دیگر دست چپ حضرت را قطع کرد. این صحنه، کم‌وبیش امام حسین را هم می‌بیند؛ اما اهل خیام خیلی خبر ندارند؛ چون نمی‌توانند از خیمه جریان را ببیند. اما امام حسین(ع) این قضیه را می‌بیند. باز مشک را به دهان گرفت. خیلی علاقه دارد که آب را به لبان تشنه‌ی بچه‌ها برساند. می‌گوید: دیدم یکی از سپاهیان یزید آمد و شمشیری بر فرق مبارک اباالفضل العباس زد درحالی‌که به زمین افتاده بود، فرمود: **«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم**»

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»[[16]](#footnote-16)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[17]](#footnote-17)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما خواهران و برادران و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری، به یاد مرگ در همه‌ی احوال و یاد قبر و قیامت در همه‌ی احوال زندگی و به یاد خداوند و شکر و سپاس خداوند، سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا به همه‌ی ما توفیق شکر و ذکر خودت در همه‌ی احوال، عنایت و کرامت بفرما.

## پتانسیل عظیم هیئت‌های عزاداری

ضمن این‌که به همه‌ی شما برادران و خواهران و عزاداران حسینی، تاسوعا و عاشورای حسینی را تسلیت عرض می‌کنم. چند نکته‌ی کوتاه هم هست که در این خطبه، موردتوجه قرار می‌دهم که برخی از آن‌ها هم اندکی ممکن است تکراری باشد اما به نظر من مهم است. همان‌طور که در چند خطبه به آن اشاره کردم، برای ما قضیه‌ی عاشورا و عزاداری امام حسین(ع) ابعاد گوناگونی دارد و ما نهایت استفاده را از این عزاداری‌ها و هیئت‌ها باید به عمل بیاوریم. مطمئناً وجود هیئت‌های عزاداری و تعدد هیئت‌های عزاداری، نشانه‌ی علاقه‌ی به خاندان عصمت و طهارت است.

**عشق به اهل‌بیت**(ع)  **در شهر**

شهر ما بیش از هفتاد و قریب به هشتاد هیئت عزاداری دارد. این کثرت، نشانه‌ی عشق و محب خوب شما و مردم شهر ما به خاندان پیامبر و اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) است و جای تقدیر و تشکر دارد و اگر ما تلاش می‌کنیم، نکاتی را که لازم است در هیئت‌ها و عزاداری‌های خود موردتوجه قرار دهیم، مطمئناً یکی از نهادهای بسیار خوب برای سلامت جامعه، برای امربه‌معروف و نهی از منکر و برای رشد و اعتلای جامعه، همین هیئت‌هاست. من بارها عرض کردم که هیئت‌های عزاداری اگر با رعایت یک سلسله مقررات همراه شود، از بهترین کارها و از پر ثواب‌ترین اعمال خواهد بود. من عرض کرده‌ام هم در نماز جمعه و هم در خدمت سران هیئت‌ها که هیئت‌های عزاداری، علاوه بر این‌که مشعل امام حسین(ع) گرم نگه می‌دارید؛ علاوه بر این‌که پرچم امام حسین(ع) را بالا نگه می‌دارید؛ علاوه بر این‌که بستر عزاداری را برای مردم و عموم جامعه و برادران و خواهران فراهم می‌کنید، بیایید به هیئت‌های عزاداری نگاه جدیدی بیاندازیم و از این‌ها استفاده‌های مهم‌تر اجتماعی و معنوی کنیم.

### زمینه‌سازی هیئت‌ها برای حضور گسترده‌ی جوانان

عرض کردم که هیئت‌های عزاداری باید جایی باشد که نسل امروز ما در آن حضور داشته باشند. عزیزانی که مسئول هیئت‌ها هستند باید زمینه را برای حضور نسل جوان و نسل نو و تازه‌ی ما فراهم کنند. نسل جوان ماست که اگر عشق و محب اباعبدالله(ع) در وجود او شعله‌ور شود، همیشه می‌تواند مشعل اسلام و ارزش‌های والای الهی را حفظ کند. کسانی که سن بیشتری دارند، به این نکته باید توجه کنند که برای ما، نسل جوان سرمایه‌ی اصلی است. کسانی که سن بیشتری دارند، به‌هرحال بخش عمده‌ای از عمر آن‌ها گذشته و ما برای سلامت و سعادت و رشد و ارتقاء جامعه‌ی الهی خود باید به نسل جوان اعتماد کنیم و آن‌ها را در همه‌ی صحنه‌ها مورد تشویق و ترغیب و صحنه را برای حضور آن‌ها آماده کنیم. هیئت‌های عزاداری ما باید به این نکته توجه داشته باشند و همین‌طور باید به مشکلاتی که امروز در جامعه‌ی ماست هم باید توجه داشته باشند. من در تاسوعای حسینی، صریحاً خدمت شما عرض کنم؛ عاشورا برای بقای معنویت و سلامت جامعه و اصلاح مردم و حکومت بود. این پیام عاشورا همیشه زنده است و امروز ما در جامعه‌ی خود، با انواع مشکلات مواجه هستیم که جز با بازگشت به عاشورا و جز با گرفتن درس‌های معنوی و اخلاقی از عاشورا این امور قابل‌حل نیست. بحمدالله می‌بینیم که هیئت‌های فراوان و جوانان عزیز در این هیئت‌ها حضور دارند.

### معالجه‌ی اعتیاد و مشکلات اجتماعی در هیئت‌ها

ما باید در درون همین هیئت‌ها، بالایی مانند اعتیاد را که بلای خانمان‌سوزی است را معالجه کنیم. برای ما کشور ما و منطقه‌ی ما اعتیاد یک خطر بسیار مهمی است. باید زمینه را خود هیئت‌ها و مجالس ما برای معالجه‌ی این مسئله، فراهم کند. مطمئناً تا خود مردم حضور نداشته باشند، مشارکت نداشته باشند، در ساختن جامعه و شکل‌ دادن به مبانی جامعه‌ی خود، آن جامعه رشد پیدا نمی‌کند. ما اگر برای ما مفاسد و اعتیاد و معضلات اجتماعی حساس است، باید هیئت‌های عزاداری ما زمینه‌ساز معالجه‌ی این امور باشد که اگر در این جهت حرکت کنیم، می‌توانیم مشکلات زیادی را حل کنیم. من باز آن نکته را عرض کردم و امروز تکرار می‌کنم که هیئت‌های عزاداری ما، یک مجموعه‌های بسیار قوی و پتانسیل‌های بسیار ارزشمندی است که اگر از آن‌ها استفاده کنیم، می‌توانیم قدم‌های بزرگی را برداریم. شما یک‌لحظه به این مسئله‌ برگردید که اگر روزی هیئت‌های عزاداری ما، در صدد این باشند که در طول سال هم فعال باشند و فقط در این چند روز نباشد؛ در طول سال برای حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی اقدام کنند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

### صرف هزینه‌ها در امور تفریحی سالم جوانان

اگر هزینه‌ها و خرج‌ها ادامه داشته باشد و در حل مشکلات جوانان به کار گرفته شود، خیلی کارها می‌توان انجام داد. ما در شهر خود حدود 20 هزار دانش‌آموز داریم که بیشتر آن‌ها در دوره‌ی نوجوانی و جوانی هستند. نوجوان و جوان، مراکز ورزشی می‌خواهد. اگر هیئت‌های عزاداری، در کنار فعالیت‌هایی که برای امام حسین(ع) انجام می‌دادند، مراکز ورزشی که ارزشی هم باشد، ایجاد می‌کردند، خدمت بسیار بزرگی بود. ما از جوان انتظار داریم ولی به مسئله‌ی اوقات فراغت او و درست پر شدن آن توجهی نداریم. بیکاری و آینده‌ای که مشخص نیست، جلوی پای جوان است. راه حل آن این است که عموم جامعه به این مسائل فکر کنند. دولت وظیفه‌ی خود را دارد و باید به وظایف خود عمل کند؛ اما جوان ورزش سالم می‌خواهد. خانواده‌ها و هیئت‌های عزاداری و متنفذین این شهر، باید به مسئله‌ی ورزش جوانان توجه کنند. این شیوه‌ی اسلامی است که عرض می‌کنم. برای اوقات فراغت آن‌ها، تفریحات سالم لازم است که ما باید این زمینه را فراهم کنیم. ما فضا و پارکی که برای تفریح مفید باشد، نداریم.

### خدمات‌رسانی به مردم و جوانان

هیئت‌های عزاداری می‌توانند در مناطق مختلف، کتابخانه ایجاد کنند. در فعال‌سازی محیط ورزشی، کمک کنند. در حل مشکل اعتیاد، تلاش کنند. در فعال‌ساختن صندوق‌های قرض‌الحسنه، در راه‌اندازی مؤسسات خیره، این‌ها قدم‌هایی است که هیئت‌ها می‌توانند بردارند و کاری هم ندارد اما مشروط به این است که افراد خوش‌فکر و جوان و تحصیل‌کرده به هیئت بیایند و برنامه‌ریزی کنند. ما زمینه‌ی هزینه کردن زیاد داریم مهم این است که درست برنامه‌ریزی کنیم. برخی از هیئت‌ها و عزاداران خوش فهم، با همت خود در این شهر دانشکده راه انداختند. مراکز آموزشی و مدرسه ساختند به مدارس و آموزش‌وپرورش کمک کردند. در مسائل اجتماعی همراهی کردند. این زمینه باید توسعه پیدا کند.

## اهمیت معنادار کردن عزاداری‌های حسینی

ما اگر بخواهیم راه امام حسین(ع) و علاقه‌ی به معنویات و اخلاق و راه اباعبدالله(ع) در جامعه زنده بماند، باید به جوان خود برسیم. تا نفهمیم که جوان خود چه نیازی دارد، نمی‌شود همیشه انتظار داشته باشیم. در این کسی تردیدی دارد؟ بنابراین عزاداری جای خود، بسیار ارزشمند، در شعاع عزاداری، ما یک انقلاب بزرگی در قرن معاصر ایجاد کردیم که دنیا را تحت تأثیر قرار داد. این نیرو را باید حفظ کرد؛ برای آینده و اعتلا و عظمت این کشور، عزاداری بسیار چیز خوبی است؛ اما بیاییم عزاداری‌ را معنادارتر کنیم. این عزاداری را به زمینه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی ببریم و هیئت‌های عزاداری را وسیله‌ای برای حل مشکلات اجتماعی قرار دهیم. برای ترویج اخلاق و معنویت قرار دهیم. این انتظاری است که از شما و عزیزان ما که بحمدالله امروز اگر کسی در شهر، حس می‌کنند که عاشق حسین(ع) هستند و به ایشان علاقه دارند. این عشق به امام حسین(ع) باید معنادار شود. این باید با فهم عاشورا و با اهداف و آرمان‌های حسینی گره بخورد. این عشق باید در طول سال نهادینه شود تا عزاداری و هیئت‌های ما حلال مشکلات اجتماعی شوند. گره از کارهای بسته‌ی جامعه و مردم را باز کنند. این زمینه وجود دارد و ان‌شاءالله در این جهت‌ها عزاداری‌ها حرکت کند. جوان‌های عزیز ما باید در این مکتب، آن زیبایی‌ها و جذابیت‌های مکتب عاشورا را به دست بیاوریم. من در سال‌های قبل، گاهی در انواع درس‌های عرفانی و اخلاقی و ایثار و مجاهدت را که می‌توان از عاشورا گرفت را بحث کردم و همیشه این را تکرار کردم که عزیزان، عاشورا یک حماسه‌ی بزرگ است که در آن‌همه‌ی ارزش‌های الهی، وجود دارد. یک تابلوی بسیار زیبایی است که در آن انواع نقش‌های هدایت و الهام‌بخش وجود دارد. بیایم خود را به افق عاشورا نزدیک کنیم.

## اقامه‌ی نماز جماعت ظهر روز عاشورا

نکته‌ی مهم دیگری که باز هم من اینجا تکرار و تأکید کردم این است که ان‌شاءالله برای روز عاشورا همه‌ی شما و در همه‌ی نقاط این اظهار علاقه ادامه خواهد داشت و امیدواریم که مثل سال‌های قبل، که در طول سال‌های قبل به این قضیه توجه خوبی شده بود. نماز جماعت ظهر عاشورا مورد توجه باشد. عاشورا برای نماز بود. عاشورا دلدادگی به خدا بود. عاشورا عشق‌بازی با خدا بود. عاشورا ذکر و یاد خدا بود. نماز ظهر عاشور را در همه‌ی تکایا و حسینیه‌ها و مساجد، توجه داشته باشند و تلاش کنید که جوانانی که می‌آیند، کسانی که در طول سال موفق نیستند در جماعت و جمعه شرکت کنند، در این ایام انس و آشنایی بیشتری با فرهنگ نماز، پیدا کنند.

## سالروز شهادت امام سجاد(ع)

همین‌طور دوازدهم محرم شهادت امام سجاد(ع) است که تسلیت عرض می‌کنم و روز یازدهم محرم که روز اسرا و جانبازان است را نیز گرامی می‌داریم. روزی است که قافله‌ِی اسرا به سمت کوفه حرکت کرد و اسارت آن‌ها یادآور مجاهدت اسرا و مفقودان ماست و امیدواریم که مفقودان هم که باقی مانده‌اند پیدا شوند و به وطن، بازگردند و امیدوارم که جانبازان و آزادگان و ایثارگرانی که در طول سال‌های گذشته، انقلاب را اداره کردند، جنگ را اداره کردند و امروز هم ما باید دست‌به‌دست هم دهیم و کشور را اداره کنیم و خداوند همه‌ی این‌ها را موفق بدارد و من فکر می‌کنم که پیام عاشورا این است که ملت ما باز هم عاشورایی بماند. ملت ما در راستا و اهداف بزرگ الهی و برای ساختن این کشور اسلامی و پیشرفت و اعتلای این کشور، با مکتب حسینی، وحدت و انسجام خود را حفظ کند.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(ع) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحارالانوار، ج 97، ص 80. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان. [↑](#footnote-ref-11)
12. . همان. [↑](#footnote-ref-12)
13. . همان. [↑](#footnote-ref-13)
14. . بحارالانوار، ج 25، ص 41. [↑](#footnote-ref-14)
15. . بحارالانوار، ج 25، ص 41. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-17)